

[دیدگاه](#)

[اهداف و مأموریت](#)

[اساسنامه](#)

[اعضا](#)

[عضویت در بنیاد](#)

توسعه فرهنگ کارآفرینی در جامعه جوان کشور با هدف کشف و پرورش صاحبان ایده های خلاق و توسعه ظرفیت

مدیریت کارآفرینان مأموریت اصلی «بنیاد توسعه کارآفرینی زنان و جوانان» را تشکیل می دهد.

در این مقوله کارآفرینی به مفهوم فرآیند خلق ابتکارها و نوآوری‌ها و ایجاد کسب و کارهای جدید در شرایط خطرناک و

پرابهام از طریق کشف فرصت‌ها و بهره‌گیری از منابع قلمداد می‌شود.

تجارب موجود نشان می‌دهد که تحقق کارآفرینی صرفاً از طریق اقدامات ابزاری دولت و با داشتن تنها نگاه صرف به

خودانگیختگی و انعطاف بازار امکان‌پذیر نخواهد بود بلکه شکل‌گیری تدریجی «نظام ملی کارآفرینی» لازم می‌آید،

هرچند که مسیری طولانی در پی خواهد داشت. اما در صورت قبول چنین چشم‌اندازی می‌توان راهبردهایی انتخاب نمود

تا در مسیر تحقق آن موفقیت‌های نسبی و مرحله‌ای بدست آید.

«بنیاد توسعه کارآفرینی زنان و جوانان» با علم به شرایط پرچالش کنونی رویکرد به فرصت های موجود در عرصه عمومی و

باور به امکان توان افزایی ظرفیت خلاقانه جامعه جوان کشور تحقق مأموریت خود را براساس پیش فرض ها، اهداف،

راهبردها و برنامه های زیر ممکن می داند:

1. 1. شناخت و تبیین علمی قوانین اساسی مرتبط در کشور بعنوان پیش فرض های اصلی سند پایه بنیاد قرار دارد.

2. 2. مبانی نظری بنیاد مبتنی بر اصول حاکم بر چشم انداز کلی خود، تجارب موجود در سطح ملی، مستندات داخلی و

ادبیات جهانی است.

3. 3. طرح راهبردها براساس درک آگاهانه و واقع بینانه از محیط است، با آنکه رویکرد بنیاد کشف فرصت های پیش رو

است اما ملاحظه موانع ساختاری در ابعاد زیر قابل تأمل است:

1-3- فرهنگ کسب و کار و کارآفرینی که دلالت بر فقدان ارزشمندی کار، کسب و کار و فعالیت خلاق و نوآور، ضعف

رسانه ای در سطح ملی، نبود برنامه هدفمند برای غلبه بر موانع فرهنگی و تقویت ارزش های مبتنی بر باور به کار و خاصه

کارآفرینی دارد.

2-3- مهارت های انسانی که نشان از کمبود مدیران خلاق و کارآفرین و عدم انطباق استانداردهای موجود مدیریتی با

فضای بازار کسب و کار جهانی و حتی منطقه ای دارد.

3-3- ساختارهای نرم افزاری، مدیریتی و اجتماعی که به نوبه خود تصویری از ضعف مدیریت کلان در پاسخگویی به

موانع، پائین بودن بهره وری ملی و نازل بودن سطح کیفیت مدیریت بنگاه های اقتصادی بویژه در سطح کوچک و متوسط

را نمایان می سازد.

3-4- و بالاخره ساختارهای سخت افزاری و منابع مالی که گویای ضعف شدید زیرساخت های ارتباطی، اطلاعاتی و

آموزشی، کمبود مراکز و نهادهای توسعه منابع انسانی حرفه ای روزآمد در سطح ملی، عدم پیش بینی مشوق ها و تسهیلات و

منابع مالی موردنیاز است.

1. 4. تبیین تقسیم کار ملی در فرآیند شکل گیری و توسعه نظام کارآفرینی از جمله اهداف اصلی این تفکر است. در این

نگاه هریک از عناصر به تناسب جایگاه خود در محیط کارآفرینی ایفای نقش خواهند کرد. به عبارتی کارآفرینان،

نوکارآفرینان و یا جوانان متقاضی کسب و کار، دولت، تشکل های حرفه ای و نهادهای عمومی (دانشگاه ها، بانک ها،

شهرداری ها و ...) عناصر اصلی محیط کارآفرینی هستند. نبود هریک در صحنه و یا دخالت در نقش های یکدیگر

خود نیز می تواند از چالش های مهم فرآیند کارآفرینی باشد.

1-4- بنیاد به سهم خود علاقمند است تا براساس ظرفیت و توان خود «حلقه اتصال» عناصر شکل دهنده محیط کارآفرینی

باشد، از این نظر حداقل تصدی گری را برای خود قائل است. در این مسیر فعال سازی بخش خصوصی و تشکل های حرفه

ای حائز اهمیت است. بنیاد در این مسیر اتصال به نهادهای معتبر و حرفه ای مشابه خود را در سطح بین الملل به منظور

انتقال تجربه و تعریف فعالیت های مشترک لازم می داند.

2-4- بنیاد در راستای ترویج و توسعه کارآفرینی به تناسب موضوع پیوند کارشناسی خود را با «نهادهای قانونی و دولتی»

برقرار می سازد.

1. 5. ساماندهی و بهره‌گیری از فرصت‌ها و ظرفیت‌های موجود ملی با استفاده از تجربیات داخلی و جهانی «راهبرد

اصلی بنیاد» است. شناسایی و تأمین منابع اعم از انسانی، مالی، اطلاعات و ساماندهی عوامل اجرایی راهبرد اصلی بنیاد

را پشتیبانی خواهند کرد.

2. 6. «مدل قابل اجرا» در این راستا مبتنی بر ساماندهی مدیریت کلان، ساماندهی حقوقی، سامان دهی اطلاعاتی،

فرهنگ سازی، سامان دهی اقتصادی و نهادسازی در ابعاد کلان و خرد خواهد بود. فعالیت‌های چهارگانه پژوهش،

آموزش، مشاوره و ترویج، پیاده‌سازی مدل را پشتیبانی خواهد کرد.

3. 7. این یادداشت «گام نخست» برای تحقق اهداف و راهبردهای بنیاد است. بدیهی است به تناسب پیشروی، مسیر

اصلاح و تکامل را خواهد پیمود.

